

هیپنوتیزم اسلامی

سیامک مهر

فیلم مستندی از حیات وحش، حیوان کوچک اندام موش ماندنی شبیه راسو یا سمور را نشان می داد که در قسمتی از بیشه، سوارخ های متعددی در زمین حفر کرده بود که همگی از طریق تونل هایی به یکدیگر راه داشت. این حیوان گوشت خوار زمانی که طعمه ای - که غالباً هم خرگوش بود - به کمینگاه و شکارگاهش نزدیک می شد، با جدیت و سرعت اعجاب آوری به درون یکی از سوارخ ها می خزید و از سوارخ دیگری بیرون می جهید. او این عمل را به دفعات و با سرعت تمام در همه جهات و از سوارخ های متفرق، گرداگرد خرگوش تکرار می کرد. به طوریکه خرگوش بیچاره در هر لحظه، شکارچی را در موضعی متفاوت مشاهده می کرد. کم کم خرگوش که باید دائماً به این سو و آنسو سر بچرخاند، دچار سرگیجه می شد و جهات خود را گم می کرد و رفته رفته کاملاً هیپنوتیزم و فلج می شد. انوقت حیوان شکارچی که حتا نصف جثه طعمه اش را هم نداشت، از نزدیکترین سوارخ بیرون می جهید و گلوی خرگوش را که قدرت تصمیم گیری از او سلب شده بود به دندان می گرفت و خفه اش می کرد.

هدفم از این مقدمه نشان دادن شباهت آخوندهاست با این حیوان گوشت خوار. آخوندها و اسلام فروشان و دینکاران در حکم این حیوان وحشی اند و بیشمار موضوع و مقوله مذهبی در حکم سوارخ هایی است که آخوندها برای شکار طعمه تعبیه کرده اند و هر روز بر حجم و تعداد و گستردگی آن می افزایند.

از خواندن قرآن با چهارده روایت و قرانت و عربده مؤذن و مکبر و واق واق مداح و مولودی خوان بگیر تا زوزه های روضه خوان ها در هر مکان و مناسبت ابلهانه.

یوم الله ها و گردش و تکرار گنج کننده ولادت ها و وفات ها در ماه های قمری که در یک روز حتا چند وفات و ولادت اختر تابناک با هم قرین می شود و مؤمنین آب - روغن قاطی می کنند و عید و عزا و اشک و لبخند همزمان، چهره دیوانه گان را بدان ها می بخشد.

سرت را به هرسو بچرخانی، آخوندی در حال عرعر است. از صدها و صدها منبر و مسجد و حسینیه و تکیه و نماز جمعه و جماعت و روضه های خانگی و مجالس دعاها و جورواجور چون دعای کمیل و دعای ندبه و جوشن کبیر و صغیر و مجالس دعاها نوظهوری که کمتر کسی تا پیش از انقلاب اسلامی حتا اسمی از آنها شنیده بود، مثل دعای سمات و دعای حمزه ثمالی... عربده آخوند مغزی را نشانه گرفته است. به هنگام زیارت نامه خوانی و دوره قرآن و سفره ابولفضل و حتا در مجالس عزاداری شخصی و مراسم کفن و دفن و سوم و هفتم و ختم و چهلم و سالگرد، همواره و در همه جا، آخوندی که انگار مویش را آتش زده باشند حی و حاضر است. در هر موضع و مکان و مراسمی آخوندی به کمین انسان نشست است.

ماه شعبان و محرم و صفر به طور سنتی ملک طلق آخوند است و دستگاه عربده آخوند با تمام ظرفیت فعال است و فرصت سرخاراندن به کسی نمی دهد. در این چند ماه که با پانزده شعبان و بیست و یکم رمضان و تاسوعا و عاشورا و بیست و هشتم صفر، اسلام فروشی و کسب و کار بی شرمانه آخوند به اوج رونق خود می رسد، زندگی بر دگراندیشان و آگاهان و خردورزان و خرافه ستیزان و غم خواران این ملک و ملت تیره و تار می گردد و به جز انزوا و عزلت گزینی و خانه نشینی چاره ای نمی بیند. صدها و صدها هیأت مذهبی، ساخته و پرداخته در کارگاه مکر آخوند، چون هیأت عزاداران حسینی، هیأت دیوانگان حسین! هیأت مذهبی محبان اهل بیت، هیأت مذهبی عاشقان رقیه و سکینه و ده ها مزخرف دیگر، در طی یکسال قمری به هر مناسبتی که آنها نیز آخوند از آستینش هزار هزار بیرون می ریزد، نظیر شبهای قدر و احیا و... بساط واق واق اسلام برقرار می کنند و به مغز شویبی جماعت نادان می پردازند. در این میان ماه رمضان از ویژگی متفاوتی برخوردار است.

ماه رمضان مظهر و همچنین اوج تجاوز اسلام فروشان به حقوق انسانی مردم آزاداندیش است. اگر رمضان مبارک است برای آخوندها و دین فروشان است که در این ماه در هر کوی و برزنی مجالس روضه خوانی برپاست و سفره افطاری گسترده است و سبیل آخوندها چرب است و این ماه نکبت است برای ما که خانه نشینیم و گریزان از تجاوز مسلمین به حتا طبیعی ترین رفتار آدمی یعنی خوردن و آشامیدن که با شلاق و تازیانه تهدید می شویم. در این ماه با گستاخی تمام رستورانها و غذاخوریها را در سطح کشور تعطیل می کنند و غذا خوردن را که مثل تنفس هوا امری حیاتی برای انسان است تظاهر می دانند و برماست که جهالت ها و خرافه های انباشته در ذهن مؤمنین را با ترک زندگی طبیعی خود محترم بشماریم. اما همین مؤمنین به خود اجازه می دهند که نیمه های شب که زمان خواب و استراحت است با کوفتن به در و زنگ خانه همسایه ها و با بلندگوهای مساجد و افزودن صدای رادیو، زوزه های متوحش اسلامی خود را به گوش دیگران برسانند. آیا در ماه رمضان تاکنون مسلمانی را یافته اید که در برخورد با شما نپرسد که روزه اید یا نه؟ و شما زبانان را بیرون آورده باشید و نشان دهید تا ثابت شود که روزه گرفته اید؟ آیا تا به حال متوجه شده اید که در ماه های غیر از رمضان نیز افراد به گونه ای شرطی شده به هنگام خوردن و نوشیدن در کوچه و خیابان ناخودآگاه دچار دلهره و هراس می شوند؟ به راستی که ماه رمضان، ماه آخوند، ماه دروغ و ریا، ماه بیکاری و بیکارگی و مزاحمت مؤمنین است.

آخوند حبله گر علاوه بر هر آنچه تاکنون یعنی تا پیش از نظام نکبت الهی برای ما شناخته شده بود، همین روزها و در پیش چشم ما و با وقاحتی وصف ناپذیر، مناسبت و مراسم مذهبی تولید می کند و توده ابله اسلام زده را سرکار می گذارد. اصلاً هیچ یک از بزرگان ما تاکنون چیزی به نام نیمه شب شرعی، دهه شعبانیه، اعتکاف رمضانیه، چاه جمکران (آنهم شبیه توالت های عمومی دارای دو چاه زنانه و مردانه) به گوشش نخورده بود. کمتر کسی می دانست که در کشور سوریه زیارتگاهی به نام زینب وجود دارد. که در حقیقت جمهوری اسلامی از هر پاره سنگی بر گوری زیارتگاهی می سازد.

آخوندها کالای جهل و نادانی را با گارانتی و خدمات پس از فروش عرضه می کنند. به عنوان مثال کاروان ها و تورهای زیارتی که سازمان حج و اوقاف متولی آن است، در هر سفر بدون استثناء آخوندی را به همراه زائران رهسپار می کند که مبادا مشتریانش در میانه راه از خرید متاع جهل و پس ماندگی منصرف شوند و یا آنکه بخشی از آداب و سنن نادانی را فراموش کرده باشند و نیاز به یادآوری و تعمیر و مرمت داشته باشد.

تولید امامزاده یکی از موفق ترین بخش های کارنامه فعالیت های جمهوری اسلامی است. هشت هزار امامزاده و بقعه و بارگاه حاصل سی سال خرافه افکنی و تحمیق و فریب مردم است. امروز حتی دورترین ده کوره ای بی امامزاده نیست. بسیاری کسان هنوز در قید حیانتند و می توانند شهادت بدهند که هرگز در مکانی از شهر و ده و روستای آنان که جمهوری اسلامی از طریق سازمان تبلیغات و سازمان اوقاف و حج و زیارت و سازمان های ریز و درشت قارچی. اسلامی امامزاده و زیارتگاه ساخته است، هیچ گونه سابقه ای تاریخی مبنی بر مدفن فرد شناخته شده ای وجود نداشته است. کجاست زنده یاد غلامحسین ساعدی که ببیند بر زمین هایی که او در داستان هایش توصیف می کرد و چه خوب هشدار می داد، این جماعت دینخو و جاهل و آخوندزده در هزاره سوم و زمانی که اگر نه مستقیم، که حداقل از صدها طریق و کانال رسانه ای، رشد و پیشرفت و دانش و رفاه ملل متمدن را در هر لحظه ای به چشم می بیند، اما دواي هر دردش را نه در خرد و دانش و فهم و تلاش و همت خویش، که در دخیل بستن و درآویختن به سنگی و گوری و مُرده ای جستجو می کند.

نکته جالب اینکه در مشهد برای امام رضا (ثامن الاجنه یا همان مومیایی ۸) دو صریح و دو عدد سنگ قبر در دو طبقه قرار داده اند. به این صورت که جهال یک مُرده را در دو مکان زیارت می کنند! یعنی زیر و بالایش را لیس می زنند.

آخوندها علاوه بر سوراخ ها و دام های سنتی، با رسیدن به قدرت و غصب و سرقت تمامی هست و نیست یک ملت و در اختیار گرفتن سیستم آموزشی ایران، دام و دکان مکرشان را در مدارس و دانشگاه ها نیز گسترش دادند و با تهیه مواد درسی اسلامی نظیر درس "بینش و معارف" و "دین و زندگی" و یا مراسمی چون جشن تکلیف، مغزشویی را حتی از دوره دبستان به طور وسیعی شروع کردند.

آخوندها با چنگ انداختن بر تمامی رسانه های جمعی و انحصاری ساختن رسانه ها، از بام تا شام از صدها کانال رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ای و هزاران روزنامه و مجله و کتاب و نوار و سی دی، با وقاحتی نبوی، با ترهات و یاوه های سخیف مذهبی ذهن و روان مردم را بمباران که نه، گه باران می کنند.

اسلام فروشان و دینکاران علاوه بر آخوند که با تابلو و عیان و آشکار دکانداری می کند، گروه بسیاری دیگر را نیز شامل می شود که هر یک به نوبه خود سوراخ هایی برای فریب مردم تعبیه کرده اند که دقیقاً به دلیل بی تابلو بودن، به سهولت جمعی را به دام خود می اندازند. تحت عنوان نویسند و شاعر و هنرمند و فیلسوف! و نظریه پرداز، همان سموم دکان آخوند را در قالبی دیگر به خورد ملت می دهند و ذهن و ضمیر انسان ها را پریشان می کنند.

عوام الشعراها و شاعران درباری چون علی معلم، احمد عزیزی، سهیل محمودی، موسوی گرمارودی، حمید سبزواری و ده ها نام دیگر و شبه روشنفکرانی از قبیله شترگاوپلنگان ملی- مذهبی، همچون سحابی های پدر و پسر و همپالگی هایشان در نهضت آزادی و جنبش مسلمانان مبارز. و یا شیدان و شارلاتان های اسلام فروشی از جمله عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان و همه وارثان شریعتی (آن به اصطلاح روشنفکری که بیماری اسلامش عود کرده بود و گروه عظیمی از جوانان را به ویروس اسلام آلوده ساخت). همسو با آخوند در گمراه ساختن و از خود بی خود کردن و آشفته و علیل و افلیح ساختن اذهان و خرد مردمان نقش عمده ای دارند.

همجه و تجاوز دکانداران به تمامی زاویه های زندگی عمومی و خصوصی و گوشه و کنار پیدا و پنهان جامعه، هرگونه قدرت تصمیم گیری و اختیار و اراده آزاد را از مردم سلب کرده و فرصت و مجال اندیشه آزاد و خویش اندیشی و لحظه ای فارغ زیستن از عرعر و عریده آخوند، به آرزویی در دور دست تبدیل گشته است.

در برابر این حجم عظیم و باورنکردنی تبلیغ آموزه های مذهبی، اما اسلام فروشان کمترین مخالفتی را تحمل نمی کنند و کوچکترین انتقادی را با زندان و شکنجه و با فتوای قتل پاسخ می دهند. زیرا که اسلام علی رغم ادعای پاپورانیش، دینی تبلیغی نیست، بلکه دین شمشیری است. دین تهدیدی است. دین اماله و تحمیل و تنقیه است.

بی هیچ تعارفی و بی هیچ ادا و پُز روشنفکری و لیبرال منشی و بی هیچ شف شف و اما و اگر ی باید دهان آخوند را بست. به دشمن آزادی نباید آزادی داد. به هر قیمت و به هر قدرتی باید و باید دهان آخوند را بست.

باید با سرنگون ساختن جمهوری اسلامی در تمامیتش به ویژه کودکانمان را از شر اسلامفروشان محفوظ بداریم. باید دام ها و تله هایی که آخوند بر سر راه فرزندانمان پهن کرده، از هم بگسلیم. باید تا فرصت باقیست از تبدیل فرزندانمان به انسان های درجه دو و عقب مانده و واپسگرا جلوگیری کنیم. باید تا فرصت باقیست از تبدیل فرزندانمان به موجوداتی از خودبیگانه و منگل و گیج با ذهنی علیل و با باورهایی احمقانه ممانعت کنیم.

این مهم تنها با روشنگری ساخته نیست. باید با قدرت و به طور فیزیکی دهان آخوند را بست. باید دکان اسلامفروشان و دینکاران را تخته کرد. باید غول هراس انگیز چراغ جادو را که خودمان رهایش ساخته ایم به بند بکشیم. به هر طریقی و به هر قیمتی و به یاری هر کسی.

siamakmehr@yahoo.com

<http://khakeiran.blogspot.com>